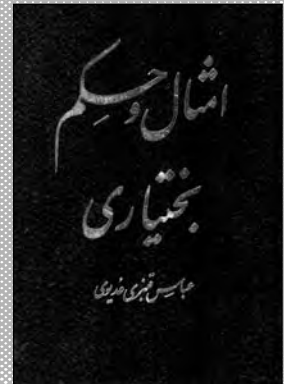


# پژوهشی ارجمند در ادبیات شفاهی

محمد جعفری (قنواتی)



- امثال و حکم بختیاری

- عباس قنبری عدیوی

- نشر ایل (شهرکرد)

- ۱۳۸۱، ۸۴۷ صفحه، ۵۰۰۰ نسخه، ۴۰۰۰ تومان

است. مؤلف با استفاده از کتاب استاد دهخدا، امثال و حکم و متون مختلف نظم و نثر کلاسیک فارسی معادلهای هر مثل را آورده و در برخی موارد نیز تمثیل مثل مربوط یا به عبارتی «شان نزول» آن را ذکر کرده است. حوصله علمی و دقت مؤلف در این قسمت به خوبی نمایان است.

ثبت امثال با چنین روشی، زمینه مطالعات مختلف را تسهیل می‌کند. فی‌المثل با دقت در نوع تلفظ و املاهای واژه‌ها می‌توان به نمونه‌هایی از واژه‌های پهلوی در گویش بختیاری دست یافت. مانند برگ (borg) به معنی ابرو، آور (avr) به معنی ابر، و (var) به معنای سینه، بالا و بر.

۲. امثال فراوانی در کتاب وجود دارد که شیوه زندگی، فرهنگ و جغرافیای سکونت (یا به عبارت دقیق‌تر مسیر کوچ) بختیاریها به خوبی در آنها منعکس شده است. این موضوع بیش از هر چیز به اساس کار مؤلف مربوط می‌شود که بر پژوهش میدانی استوار بوده است:

الف. طبیعت: زندگی عشایر کوچنده با طبیعت و عوامل طبیعی ارتباطی بلاواسطه دارد. فی‌المثل گرمای زود هنگام در قشلاق باعث تسریع کوچ آنها به بیلاق می‌شود. مثال:

- پوزس گرد آسماربه (پوزش مانند یال کوه آسماری است).

ب. آیینهای قومی: بخشی از امثال کتاب یادآور آیینهایی است که از دیرباز در ایل رایج بوده و تعدادی از آنها ریشه در فرهنگ ایران باستان دارند. مثال:

پل بُریدن حد داره، چنو پور که مینانه واداره.

گیسو بریدن اندازه دارد. آن گونه ببر که چارقدر نگاه دارد. (اندازه نگه داشتن در کارها)

این مثل اشاره به آیین خاصی است که طی آن زنان در مرگ عزیزان خود یا بزرگان ایل، گیسوی خود را می‌برند. آیین گیسو بریدن در ایران باستان رواج عام داشته است و در ادبیات کلاسیک ما بارها به آن اشاره شده است.

ج - زندگی اقتصادی: بختیاریها عشایری دامدارند. این نوع معیشت مستلزم کوچ‌نشینی است. با تأمل در مثلهای کتاب به راحتی می‌توان به تأثیرپذیری آنها از این نوع زندگی پی برد. مثال:

یکی از عرصه‌هایی که مورد توجه پژوهشگران ایرانی و خارجی قرار گرفته، گردآوری ادبیات شفاهی و به ویژه امثال و حکم مردم بختیاری بوده است. در این مورد، ظاهراً بختیاریها از یک «بخت یاری» برخوردار بوده‌اند که مربوط به تألیف و تدوین کتاب امثال و حکم اثر ماندگار علامه فقید علی اکبر دهخدا است. استاد هنگامی که در جریان جنگ جهانی اول در منطقه بختیاری به سر می‌برده به گردآوری تعدادی مثل بختیاری اقدام می‌کند و ظاهراً از همان زمان پایه تدوین و تألیف اثر گرانسنگ خود را پی‌ریزی می‌کند و احتمالاً همین حضور در منطقه بختیاری باعث شده است که تعدادی مثل با گویش این ایل در امثال و حکم راه پیدا کند. این چند مورد محدود و معدود را می‌توان آغاز گردآوری امثال بختیاری دانست.

اما اولین کار جدی که در این زمینه صورت گرفته کتاب کوچکی است به نام ضرب المثلهای بختیاری تألیف بهرام داوری که در سال ۱۳۴۳ و با مقدمه زنده‌یاد پژمان بختیاری چاپ و منتشر شده است. از آن زمان تاکنون کارهای مختلفی در این زمینه صورت گرفته است. کتاب امثال و حکم بختیاری تألیف عباس قنبری عدیوی آخرین و در عین حال جامع‌ترین پژوهشی است که در عرصه ادبیات شفاهی مردم بختیاری چاپ شده و در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است. این کتاب نشان‌دهنده هموار شدن راه بر سنگلاخی است که بهرام داوری و دیگران طی چهل سال گذشته انجام داده‌اند.

مؤلف کتاب در کار خود تلفیق موفقی از کار میدانی و کتابخانه‌ای ارائه کرده است. وی همچنین در مقدمه‌ای ضمن ارائه تاریخچه‌ای از ایل بختیاری به توضیح نوع (ژانر) مثل از دیدگاه ادیبان و نویسندگان مختلف پرداخته است. توضیحات وی در این باره خواندنی است و نشان از جست‌وجوی او در متون متفاوت دارد.

نگارنده کوشش می‌کند ضمن توضیح امتیازات کتاب به برخی از کاستیهای آن نیز اشاره کند:

۱- مثلها به ترتیب حروف الفبایی و براساس گویش بختیاری تدوین شده‌اند. ابتدا اصل مثل با حروف معرب و سپس تلفظ آنها با استفاده از الفبای آوانگاری آورده شده است. ترجمه تحت‌اللفظی و همچنین توضیح و کاربرد هر مثل نیز ذکر شده

- ایقد شیر سوحد مونه که ز دو هم ترسیم.

معادل «مارگزیده از ریسمان سیاه و سفید می‌ترسد».

۳- مؤلف در کار گردآوری مثلها خود را به امثال سنتی محدود نکرده و مثلهای جدید را نیز ثبت کرده است. در این باره می‌توان به مواردی اشاره کرد که از فعالیتهای شرکت نفت در آن منطقه منتج شده‌اند. یادآوری این نکته ضروری است که یکی از حوزه‌های اصلی فعالیت شرکت - در حقیقت قدیمی‌ترین حوزه فعالیت آن - در منطقه گرمسیر ایل بختیاری بوده و به همین دلیل بسیاری از اصطلاحات و مفردات زبان انگلیسی وارد زبان و گویش جاری مردم شده است. باتکا به همین مفردات و اصطلاحات زبان گفتار، مثلهای متعددی ساخته است. مثال:

- آگوی مال زمان دارسیه.

گوی مال زمان دارسی است (معادل با مال عهد دقینوس).

- تانک شرکتی

مانند تانکر شرکت نفت. برای

تشبیه افراد چاق و پرخور به کار می‌رود.

۴ - نکته با اهمیت دیگر بر

خورد علمی و بدون تعصب با ضبط و ثبت

مثلهایی است که متأسفانه برخی افراد به

تصور «صدقومی بودن» یا «غیر اخلاقی

بودن» از ضبط و ثبت آنها خودداری

می‌کنند. خوشبختانه مؤلف آگاه کتاب به

رغم وابستگی به ایل بختیاری از ثبت

امثالی که ظاهراً در ضدیت با خوی و

منش این مردم بوده امتناع نکرده است.

و این برخورد منطبق با اصول علمی در

گردآوری ادبیات شفاهی است.

۵ - امروزه در روش علمی انتشار

امثال و حکم تهیه نمایه‌ای از واژه‌های

اصلی امثال، بسیار ضروری محسوب

می‌شود. زیرا در نبود چنین نمایه‌ای پیدا

کردن یک مثل معین با صرف وقت

بسیار صورت می‌گیرد. در صورتی که وجود نمایه مزبور این امکان را فراهم می‌کند

که دست بالا با مراجعه به چند صفحه به مثل مورد نظر دسترسی صورت گیرد.

۶- برخی از امثال به درستی معنی نشده‌اند که به چند مورد اشاره می‌شود:

- تلپت نخرده، دشوئا خرده (ترید نخورده، دشنام‌ها خورده) که معادل «آش

نخورده و دهن سوخته» در زبان فارسی است. درباره این مثل نوشته‌اند: «ادعای

بی‌گناهی علی‌رغم شواهدی که بر گناهکاریش صحه می‌گذارد» (ص ۲۵۴) البته

صراحت مثل به قدری گویاست که نیازی به ذکر تعارض توضیح مؤلف با آن دیده

نمی‌شود.

- تو حیره جور دُرُشت بلاکئی

(تو خرده‌یاب (خرده‌گیر) و درشت گم کنی.) در توضیح این مثل نوشته‌اند:

«فرد خرده‌گیر و عیب جو» (ص ۲۵۷)

این مثل در سایر گویشهای فارسی خوزستانی نیز وجود دارد. فی‌المثل

ماهشهریه‌ها می‌گویند: «فلانی خرده‌گیره و درشته ول کنه»

خرده در اینجا معنای عیب و ایراد را نمی‌دهد بلکه چیز کم بها و کوچک از آن

مستفاد می‌شود. مثل ناظر بر اعمال اشخاصی است که سود درازمدت خود را

نمی‌بینند و مصالح کلی را فدای منافع جزئی می‌کنند.

- سهیمت به سله ته کنده

در این مثل «سهیم» را تهدید معنی کرده و در توضیح مثل نوشته‌اند: «تهدید تو

بی‌اساس است و هرکاری می‌خواهی انجام بده. راه باز و جاده دراز» (ص ۴۵۴)

«سهیم» در این جا به معنای بهره و نصیب است و «سله ته کنده» نیز به سید

یا زنبیلی گفته می‌شود که بُن نداشته باشد. و اگر چیزی در آن ریخته شود امکان

نگهداری آن وجود ندارد. مثل در مواردی به کار برده می‌شود که قصد داشته باشند

بی‌حقی و بی‌بهره بودن مخاطب را مورد تأکید قرار دهند.

۷- یکی از نکاتی که در تدوین چنین فرهنگهایی باید مدنظر باشد، مثلهایی

است که مفهوم واحدی دارند. معمولاً در چنین مواردی یکی از مثلها را توضیح

می‌دهند و سایر موارد را به آن ارجاع می‌دهند. چنین ارجاعاتی علاوه بر آنکه از

تکرار پیش‌گیری می‌کند به پژوهش‌گر و مراجعه‌کننده این امکان را می‌دهد که با

اشکال متفاوت یک مثل آشنا شود. متأسفانه در این کتاب چنین نکته‌ای مغفول

واقع شده است. تعداد قابل توجهی از امثال که نه فقط به لحاظ مفهومی بلکه از

لحاظ شکلی نیز تفاوتی با هم ندارند مورد تفسیر و توضیح مستقل قرار گرفته‌اند و

در هیچ یک از امثال کتاب، ارجاع به

موارد مشابه صورت نگرفته است. مانند:

رهزا پاس پتیه (کفاش پابرهنه) (ص

۴۰۴) گیوه‌کش هی پاس پتیه (کفاش

همیشه برهنه است) (ص ۵۷۵) و یا

سرسوزنی هم برای کسی تیز نمی‌کند

(ص ۴۴۳) سر یک خار هم برای کسی

تیز نمی‌کند (ص ۴۴۸). متأسفانه در

بسیاری از موارد توضیحات کاملاً شبیه

به هم‌اند. با توجه به فراوانی مثلهای

مشابه، بازبینی در تدوین و تویب کتاب

در چاپهای بعد ضروری به نظر می‌رسد.

نکته پایانی که ذکر آن را ضروری

می‌دانم برخورد مؤلف کتاب با یکی از

پژوهشهای اولیه‌ای است که در این

زمینه صورت گرفته است. ایشان در

مقدمه کتاب خود به کتاب بهرام دآوری،

ضرب المثلهای بختیاری، که در حقیقت

نخستین کار جدی در این زمینه است به

شیوه‌ای غیرمنصفانه برخورد کرده و بدون در نظر گرفتن نقاط مثبت کتاب فقط بر

کاستیهای آن نظر انداخته است. در حالی که پژوهش علمی راهی است که به

صورت ملوم رو به تعالی دارد. بی‌تردید همان کار کم حجم به رغم همه کاستیهای

خود زمینه‌ای فراهم کرد که بعدها دیگران و از جمله مؤلف محترم این کتاب با

روشی دقیق‌تر به موضوع امثال و حکم بپردازند.

به رغم آنچه درباره کاستیهای کتاب ذکر شد به اعتبار ارزشهای قابل توجه آن

که طی بندهای اول تا چهارم توضیح داده شد، کتاب امثال و حکم بختیاری اثر

ارزشمندی است که می‌تواند از زوایای مختلف مورد استفاده پژوهشگران ادبیات

شفاهی و علاقه‌مندان علوم اجتماعی قرار بگیرد. نگارنده امیدوار است که مؤلف

آگاه و پی‌گیر کتاب با رفع موارد ذکر شده در چاپ‌های بعدی امکان استفاده دقیق‌تر

از آن را فراهم کند.

## مؤلف کتاب در کار خود

### تلفیق موفق از کار میدانی

### و کتابخانه‌ای ارائه کرده است

### امثال فراوانی در کتاب وجود دارد

### که شیوه زندگی، فرهنگ و

### جغرافیای سکونت بختیاریها

### به خوبی در آنها

### منعکس شده است

#### پی‌نوشت:

۱. الف دآوری، بهرام (۱۳۴۳)، ضرب المثلهای بختیاری. تهران: انتشارات طهوری

ب) خسروی، عبدالعلی (۱۳۶۸) فرهنگ بختیاری، تهران: فرهنگسرا

ج) کیانی هفت لنگه کیانوش (۱۳۷۰). ضرب المثلهای بختیاری، تهران: ناشر مؤلف

د) عبدالهی موگهی، احمد (۱۳۷۲) ترانه‌ها و مثلهای بختیاری، اصفهان: مؤسسه فردا

ه) فروتن، فریبرز (۱۳۷۵) گنجینه مثلهای بختیاری. اهواز: انتشارات خوزستان